

آسیب‌شناسی سیاستگذاری‌های حوزه اقتصاد مقاومتی در نظام جمهوری اسلامی ایران

رضا پریزاد^۱، محمدرضا صفری‌کیا^۲

چکیده

هدف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تأمین رشد پویا، بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد. این سیاست در اواخر بهمن ماه ۱۳۹۲ و در مقابله با تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ج.ا. ایران توسط رهبر انقلاب به قوه مجریه، مقننه و قضائیه ابلاغ گردید. از سوی دیگر و در حوزه اجرایی نیز دولت اقدام به راه‌اندازی ستادی تحت عنوان ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور کرد. این ستاد به تبع تأکیدات رهبر بعنوان ستاد فرمانده اقتصاد مقاومتی تغییر نام داد. اما مسئله و نکته قابل توجه این است که چرا با وجود زیرساخت‌های قانونی لازم برای اجرای قوانین و مقررات اقتصاد مقاومتی، لیکن مشکلات اصلی اقتصادی همچنان در حوزه اقتصادی مشاهده می‌شوند و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی براساس اهداف و چشم‌اندازهای آن به اجرا در نیامده است؟ بر همین اساس و نظر به اهمیت موضوع، در این مقاله تلاش گردیده با این فرض که مهمترین موانع موجود در این میان به عدم اتخاذ و اجرای سیاست‌های مناسب در حوزه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مربوط می‌شود، به گردآوری داده‌های موردنیاز از طریق مطالعات میدانی اقدام و در چارچوب نظری مدل‌های سیاستگذاری اقتصادی با روش کیفی و تحلیلی نتایج موردنظر را با هدف ارائه راهکارها و توصیه‌های سیاستی احصاء نمائیم.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، سیاستگذاری اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، تحریم

^۱ استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم r_parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

مقدمه

بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اتخاذ رویکردهای استقلال‌طلبانه توسط دولت نوپا و انقلابی برآمده از اراده و خواست مردم، دولت ایالات متحده آمریکا که منافع راهبردی خود را از دست رفته می‌دید به ترفندهای مختلفی و از جمله حمایت از حرکت‌های معارض با نظام جدید و انقلابی در ایران و نیز حمایت از تجاوز نظامی از رژیم بعث عراق به ایران روی آورد که پرداختن به آنها خارج از این مجال و مباحث موردنظر ماست. اما در این میان آنچه که بیش از همه نمایان‌تر و با اهمیت‌تر است، موضوع تحریم اقتصادی ایران است که بعد از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران آغاز و با گذشت ۴۳ سال از پیروزی انقلاب همچنان ادامه داشته و نه تنها کاهش نیافته، بلکه به بهانه‌های مختلف توسعه نیز پیدا نموده و در سال آخر دولت ترامپ در چارچوب راهبرد فشار حداکثری به وضعیت بی‌سابقه و به اوج خود رسید.

از سوی دیگر و در مقابله با این اقدامات خصمانه، رهبر انقلاب شخصاً وارد این موضوع شده تا بعنوان عالی‌ترین مقام کشور، راهنمایی‌ها و تدابیر لازم را در قالب نظریه «اقتصاد مقاومتی» ارائه نماید. واژه اقتصاد مقاومتی را اولین بار مقام رهبری در سال ۱۳۸۹ در جمع گروهی از کارآفرینان بکار بردند و تأکید کردند که ما باید یک الگوی اقتصادی مقاومتی را اجرا کنیم. در همین رابطه رهبر در سال‌های بعد یعنی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ نیز مجدداً، مبانی اقتصاد مقاومتی را در مقاطع گوناگون تشریح و تبیین نمودند و علاوه بر آن، زمانی که نام‌گذاری سال‌های گذشته مرور می‌گردد، معلوم می‌شود موضوع اقتصاد در آنها برجستگی زیادی دارد و رهبر انقلاب از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ همه ساله بر موضوع اقتصاد تأکید داشته‌اند که این امر نشان‌دهنده دوراندیشی و اشراف ایشان نسبت به توطئه‌های دشمنان و نیز اهمیت موضوع است. از سوی دیگر و به دنبال ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در اواخر بهمن ماه سال ۱۳۹۲ توسط رهبر انقلاب به قوه مجریه، مقننه و قضائیه، دبیرخانه شورای اقتصاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برنامه‌ای جامع تحت عنوان مجموعه اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی را منتشر نمود که البته هیچگاه وارد فاز اجرایی نشد. از سوی دیگر و در حوزه اجرایی نیز دولت اقدام به راه‌اندازی ستادی تحت عنوان ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و با عضویت وزرای کابینه به علاوه روسای سازمان‌های اصلی کرد. این ستاد متعاقب آن و به تبع تأکیدات مقام رهبری، به ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی تغییر نام داد (ایمانی و افلاکی خسروشاهی، ۱۳۹۸).

اما مسئله و سوال اصلی این است که چرا با وجود فراهم شدن زیرساخت‌های قانونی لازم برای اجرای قوانین و مقررات اقتصاد مقاومتی، لیکن مشکلات اصلی اقتصادی همچنان در حوزه اقتصادی مشاهده می‌شوند؟ و آیا اساساً مشکلات اقتصادی موجود از ناتوانی بنیان‌های نظری سیاست‌های اقتصادی ناشی می‌گردد و یا به

حوزه‌های سیاستگذاری و اجرا مرتبط می‌شود؟ آسیب‌های حوزه اقتصاد مقاومتی کدام‌اند و براساس آموزه‌های سیاستگذاری عمومی چه راهکارهایی را برای رفع آنها می‌توان پیشنهاد نمود؟ بر همین اساس و نظر به اهمیت موضوع، در این پژوهش تلاش گردیده با گردآوری داده‌های موردنیاز از طریق مطالعات میدانی، با روش کیفی و تحلیلی نتایج موردنظر را احصاء و توصیه‌های سیاستی لازم را براساس آموزه‌های سیاستگذاری ارائه نمائیم.

۱- تعریف مفاهیم

۱-۱- سیاستگذاری اقتصادی

سیاستگذاری اقتصادی در یک تعریف ساده عبارت است از ایجاد یا اعمال مشوق‌هایی از سوی دولت یا نهادهای دیگر سیاستگذاری به منظور دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و متکی بر ابزارهای سیاستگذاری اقتصادی. این تعریف نیز به مانند قبلی برگرفته از یک نگاه فلسفی به اقتصاد است. در این دیدگاه، اقتصاد مانند یک موجود زنده، متحرک و با شعور تلقی می‌شود که نسبت به اعمال مشوق‌ها واکنش نشان داده و قادر است در یک فرآیند خورد و بازخورد در جهت مشوق‌ها حرکت کرده و به هدف نهایی دست یابد. بدیهی^۹ است که سیاستگذاری اقتصادی به دنبال طرح دقیق مسیر دستیابی به اهداف نیست، بلکه تنها در جهت هدایت رفتارهای اقتصادی عاملان اقتصادی، بدون اعمال دخالت مستقیم در تصمیمات آنها و با استفاده از ابزارهای شناخته شده اقتصادی است. این ابزارها را می‌توان به ابزارهای پولی، مالی، ارزی و تجاری تقسیم‌بندی کرد. نمونه ابزارهای پولی، تعیین نرخ‌های بهره بین بانکی و نمونه ابزارهای مالی مخارج دولتی و درآمدهای مالیاتی را می‌توان برشمرد. سابقه سیاستگذاری اقتصادی را به مانند برنامه‌ریزی اقتصادی، می‌توان در بسیاری از کشورهای صنعتی رصد کرد. این کشورها توانسته‌اند با اعتقاد به لزوم راهبری اقتصاد در قالب «سیاست» و نه «برنامه‌ریزی» سطح قابل‌قبولی از رفاه و ثبات اقتصادی را برای شهروندان خود به ارمغان آورند. بدیهی است در این کشورها دولت‌ها و بانک‌های مرکزی بعنوان سیاستگذاران و نه برنامه‌ریزان در کنار سایر عوامل اقتصادی که براساس منافع خود بکار و فعالیت می‌پردازند، به تنظیم روابط و جهت‌دهی امور می‌پردازند (شاهمرادی، ۱۳۸۸ : ۱).

۱-۲- اقتصاد مقاومتی

- در فرهنگ معین، واژه مقاومت بعنوان «ایستادگی، پایداری، دوام و استحکام» معنی شده است. بنابراین می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است مستحکم و پایدار که قابلیت ایستادگی در برابر حربه‌ها و دسیسه‌های دشمنان را دارد. بعبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت (نادرعلی، ۱۳۹۱).

- اقتصاد مقاومتی یعنی سازوکارهای کشور بایستی چنان طراحی شوند که به لحاظ پدافندی و در صورت تحریم، فشار و تهاجم آسیب کمتری به کشور وارد شود و در عین حال، کشور بتواند به لحاظ آفندی، منافع نظام سلطه در سطح بین‌الملل را با چالش مواجه نماید. همچنین طراحی حوزه اقتصادی چنان باشد که دشمنان خارجی نتوانند با ابزار قرار دادن مسائل اقتصادی، جلوی حرکت رو به رشد کشور را بگیرند. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که توجه شود که حوزه اقتصاد، بزرگترین برگ برنده و مزیت نظام سلطه است و می‌تواند از این مسیر، نظام اسلامی را به شدت تهدید کند (نریمانی، ۱۳۹۱).

- محمدحسین حسین‌زاده بحرینی در مطلبی تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه» اقتصاد مقاومتی را یک اصطلاح ابداعی و نوآورانه می‌داند که مثل یک موجود زنده مراحل رشد را طی می‌کند. به گفتمان ویژه ایشان به مرحله‌ای در اقتصاد مقاومتی می‌توان اشاره کنند که از رهگذر گفتگوهای علمی و نقادانه بهترین تبیین و معنا را پیدا کند و حدود و ثغور آن مشخص می‌شود. وی تقلیل اقتصاد مقاومتی به مقاومت اقتصادی را درست می‌داند و آن را آغاز یک انحراف در فرایند گفتمان‌سازی فوق می‌داند. وی اقتصاد را نه هدف بلکه وسیله می‌داند که باید مسیرهای درستی در این راه برگزیده شوند (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۲: ۲).

- مقصود از اقتصاد مقاومتی، مدیریت امور اقتصادی است، بگونه‌ای که از سرمایه ملی و مردمی به بهترین شکل استفاده شده و ملت از نظر اقتصادی خودکفا گردیده و به مقاومت در مقابل دشمنان ادامه دهد و توطئه‌های تحریم و محاصره اقتصادی دشمن را خنثی و بی‌اثر کند. به نوعی اقتصاد مقاومتی یعنی برخورداری از مزایای اقتصادی با ادامه مقاومت و مبارزه در مقابل دشمنان مستکبر و متجاوز. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و از الزامات چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی را می‌توان مترادف با سرفصل مجموعه سیاست‌هایی دانست که با هدف

رسیدن به اقتصادی مقاوم در مقابل بحران‌ها و افزایش ضریب امنیت اقتصادی و نیز افزایش امکان مانور اقتصاد ملی طراحی و به اجرا گذاشته می‌شود. این نوع اقتصاد معمولاً در تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده کشوری قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی کرده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن براساس جهان‌بینی و اهداف دارد. اقتصادی که در برابر تکانه‌هایی که بر اقتصاد داخلی اثر می‌گذارد و اشکال مختلفی دارد، مقاوم باشد (فاسمی، ۱۳۹۵: ۱).

سیفلو در مقاله خود، توسعه مفهومی مفاهیم «دفاع، دفاع غیرعامل، جنگ و جنگ اقتصادی» اقتصاد مقاومتی را بعنوان راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی تبیین و تشریح کرده است. عمده‌ترین نوآوری این تحقیق به توسعه مفهومی «جنگ، آسیب، دفاع و دفاع غیرعامل» و استفاده از آنها به منظور فراهم کردن یک چارچوب نظری و تحلیلی مناسب برای موضوعات اقتصادی و ارائه طریقی برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی مربوط است. مفهوم «جنگ» به بسیاری از حوزه‌های فنی و حتی علوم انسانی توسعه داده شده است و این توسعه مفهومی در بسیاری از حوزه‌ها، کاربردی نو نیست و اصطلاحاتی همچون «جنگ نرم»، «جنگ سایبری»، «شبیخون و تهاجم فرهنگی» و مانند آن را می‌توان بعنوان نمونه‌ای از گسترش مفهوم «جنگ» دانست. از این‌رو، بکار بردن اصطلاح «جنگ» در خارج از مفهوم صرف نظامی آن، پدیده رایجی است که نشان از تقابل در عرصه‌های استفاده شده دارد. در این مقاله، پس از اینکه «جنگ» از مفهوم صرف نظامی خارج شده و به «جنگ اقتصادی» نیز تعمیم یافته است، بگونه‌ای مشابه، «دفاع» نیز به همین نحو توسعه داده شده و دو نوع «دفاع مسلحانه» و «دفاع غیرمسلحانه» و در این بخش، «دفاع غیرعامل» تبیین شده است. از رهگذر تشریح این مسئله، این نتیجه حاصل شده است که به جزء «دفاع عامل» که مفهومی نظامی دارد، هر نوع اقدام پیشگیرانه‌ای را می‌توان به «دفاع غیرعامل» تعبیر کرده، در این راستا هر اقدام پیشگیرانه کاهش آسیب‌پذیری از مصادیق «دفاع غیرعامل» است. از این‌رو، اقتصاد مقاومتی را می‌توان «دفاع غیرعامل اقتصادی» تعریف کرد (حمیدی سولا، ۱۳۹۶: ۳).

رهبر و همکارانش هم در مقاله‌ای تحت عنوان «رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصادی مقاومتی» موضوع اقتصاد مقاومتی را مدنظر قرار داده و تلاش دارند از منظر و دیدگاه اسلامی آن را بررسی نمایند. آنها اقتصاد مقاومتی را اقتصادی می‌دانند که اجازه رشد را در شرایط تحریم و فشار می‌دهد (رهبر، ۱۳۹۳).

۳-۱- تحریم اقتصادی

تحریم فعالیتی یا عملی است که بوسیله یک یا چند بازیگر بین‌المللی (مجری تحریم)، علیه یک یا چند کشور دیگر (هدف تحریم)، به منظور مجازات این کشورها، با اهداف محروم ساختن آنها از انجام برخی مبادلات یا وادار ساختن آنها به پذیرش هنجارهایی معین و مهم (از دید مجریان تحریم)، اعمال می‌شود. در اینجا منظور از «مجری تحریم» کشوری (یا گروهی بین‌المللی) است که نویسنده یا منتشر کننده سناریوی تحریم باشد، هرچند ممکن است در اعمال محاصره بیش از یک کشور شرکت داشته باشد، و منظور از «هدف» کشور یا کشورهایی است که هدف اصلی تحریم واقع می‌شوند. تحریم‌های اقتصادی می‌تواند شامل اشکال مختلف موانع تجاری، تعرفه‌ها، محدودیت در معامله باشد. سازمان ملل متحد در طول حیات نزدیک به ۷۵ سال خود، تا قبل از پایان جنگ سرد فقط علیه رودزیای جنوبی در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ اعمال تحریم کرد؛ ولیکن در دهه نود و پس از آن بارها و بارها شورای امنیت علیه دولت‌ها با صدور قطعنامه با اشکال و در قالب‌های مختلف به این ابزار متوسل شده است. سازمان‌های منطقه‌ای نیز در این زمینه از ملل متحد اقتباس کرده‌اند. همچنین تحریم‌های یکجانبه عمدتاً از طرف ایالات متحده آمریکا به ابزاری برای سیاست خارجی آن دولت بدل شده است (wikipedia.org). در این میان هر قیدی که بوسیله کشوری بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی کشور هدف، در راستای وادار ساختن تغییر سیاستی وضع شود، تحریم اقتصادی نام دارد.

۱۲

۲- چارچوب نظری

در حوزه نظری و از حیث مدل‌های سیاستگذاری اقتصادی، اساساً با ۶ مدل تحلیل استراتژیک، مدل تحلیل مرحله‌ای مدل تصمیم‌گیری، مدل سازمان، سلسله مراتب و شکلی، مدل سازمان‌ها و نهادهای فرادولتی و مدل تعادل ایستا سروکار داریم که در این پژوهش مدل و چارچوب نظری مورد توجه ما همان مدل تحلیل استراتژیک خواهد بود. مدل تحلیل استراتژیک بوسیله افرادی مانند «میشل کروز^۱» و «ارهارد فریدبرگ^۲» ارائه شده است. افراد یاد شده بر این اعتقادند که سیاستگذاری تحت اراده گروه‌ها، نخبگان، کارگزاران و بازیگران مختلف شکل می‌گیرد. هریک از کارگزاران اجرایی نقش سیاسی و سازمانی خاصی را اجرا می‌کنند. آنان تلاشی سازمان یافته را به انجام می‌رسانند تا زمینه‌های تأمین اهداف از طریق پیوند قابلیت‌های مختلف

¹ Michael Crozier

² Erhard Friedberg

هر کشور به وجود آید. در مدل تحلیل استراتژیک سیاستگذاران باید اهداف خود را در تعامل با شکل‌بندی‌های اقتصادی - استراتژیک پیگیری نمایند. قوانین اساسی کشورها، اهداف عمومی واحدهای سیاسی را مشخص می‌سازد. در چنین فرایندی کارگزار اقتصادی هرگونه تصمیم‌گیری اجرایی را براساس مدل تعاملی با اهداف بنیادین ساختار پیگیری می‌نماید. در مدل استراتژیک کارگزاران اجرایی باید اهداف و برنامه‌های خود را براساس «نقش ملی» و «شرایط ژئوپلیتیکی»^۱ و «اهداف استراتژیک»^۲ کشورها تنظیم کنند. به این ترتیب، زیرساخت‌های سیاسی - اقتصادی جوامع و همچنین اهدافی که برای آنان تبیین و تعریف شده است، نقش مؤثر و بنیادین در روابط سیاسی و برنامه‌ریزی اقتصادی ایفا می‌کنند (وحید، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۲۶). در این ارتباط مثال‌های تاریخی متعدد ارائه شده است. بطور نمونه می‌توان بسیاری از طرح‌های اجرایی و برنامه‌های دولت فرانسه را در راستای مدل تحلیل استراتژیک بررسی کرد. در سایر کشورهای صنعتی از جمله آمریکا و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز چنین شاخص‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرد. زمانی که کشورها در شرایط برنامه‌ریزی و سیاستگذاری استراتژیک قرار می‌گیرند، کارگزاران اجرایی و نخبگان سیاسی بیش از آنکه به اهداف فردی، گروهی و حزبی توجه داشته باشند، تمامی تلاش خود را برای تحقق اهداف برنامه‌های استراتژیک کشور تخصیص می‌دهند. هریک از رویکردهای ارائه شده می‌توانند بخشی از نیازهای کشور معطوف به سیاستگذاری اقتصادی را تأمین کند. بنابراین تمامی کشورها اعم از «واحدهای توسعه یافته»^۳، واحدهای در حال ظهور و همچنین «واحدهای در حال توسعه»^۴ سیاستگذاری خود را بگونه‌ای انجام می‌دهند که حداکثر اهداف اقتصادی آنان را تأمین کند (وحید، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

علی‌ایحال با عنایت به ابعاد و ماهیت مدل اقتصادی استراتژیک که به تفصیل به آن پرداخته شد، مهمترین دلایل انتخاب چارچوب نظری مذکور در این پژوهش این است که علاوه بر اینکه امکان تبیین دقیقی از متغیرهای تحقیق و اثبات فرض موردنظر ما که مبتنی بر آسیب‌های مترتب بر نقش سیاستگذاری و اجرا در حوزه اقتصاد مقاومتی است را فراهم می‌آورد، شاخص‌های مثبت و منطبق با شرایط اقتصاد مقاومتی که هر کدام به نوبه خود می‌توانند در وضعیت فعلی اقتصادی کشور گره‌گشا باشند و یا آسیب‌های جدی اقتصادی ما محسوب می‌شوند را فراروی ما قرار می‌دهد که بارزترین آنها عبارتند از:

¹ Geopolitics Situation

² Strategic Goals

³ Developed States

⁴ Developing States

(۱) در این مدل اساساً تأمین منافع ملی بر منافع گروه، جریان و احزاب رجحان دارد و تأمین کننده مصالح و منفعت عامه مردم است، امری که لازمه شرایط اقتصاد مقاومتی است؛

(۲) در سیاستگذاری‌های اقتصادی به همه ظرفیت‌های اقتصادی یک کشور، بویژه توانمندی‌ها و شرایط منحصر به فرد آن توجه خاص می‌شود و در عین حال توجه به درون‌زایی اقتصاد، برون‌زایی آن را می‌تواند در نظر داشته باشد، وضعیتی که مناسب رفع اثر اقدامات تحریمی و جنگ اقتصادی است؛

(۳) برای اجرای موفق آن لازمه بکارگیری همه ظرفیت‌های دولتی، خصوصی و نخبگانی جامعه بوده و به نقش سیاستگذاری و اجرا توجه خاص دارد؛

(۴) تجربه موفقی در رشد و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته برجای گذارده است، نیاز به آزمون و خطای مجدد ندارد.

۳- ارزیابی عملکرد دولت در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

(۱) از مهمترین و قابل اعتمادترین گزارشات منتشره در این رابطه می‌توان به گزارش دیوان محاسبات اشاره نمود که طی آن اعلام نمود که حدود ۹۰ درصد قوانین مرتبط با این موضوع دچار ترک فعل مسئولان اجرایی شده است (tasnimnews.com). در این گزارش، عملکرد ۷ قانون مهم مرتبط با تولید و اقتصاد مقاومتی و افزایش بهره‌وری اقتصاد که طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از نکات بسیار مهم این گزارش، علل عدم اثربخشی احکام قانونی است که متأسفانه ۸۹٫۷ درصد علت اصلی غیراثربخشی به ضعف در اجرا و ترک فعل مسئولان اجرایی مربوط می‌شود و تنها ۵٫۵ درصد به تغییر شرایط همچون تحریم و کرونا و ... ارتباط دارد. ۴٫۷ درصد نیز به علت ضعف در قانون فاقد اثربخشی بوده‌اند. یافته‌های دیوان محاسبات کشور نشان می‌دهد از مجموع ۸۷ فقره مقررات مصوب، تنها ۳۷ فقره در زمان مقرر قانونی ابلاغ شده است و ۳۲ فقره خارج از زمان مقرر قانونی ابلاغ شده، ۱۴ فقره تدوین شده اما ابلاغ نهایی نشده است و نهایتاً پیرامون تدوین و ابلاغ ۴ فقره، هیچگونه اقدامی به انجام نرسیده است. بخش دیگری از بررسی‌های دیوان محاسبات کشور پیرامون میزان اثربخشی و عملکرد قوانین است که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد تنها ۳۴ درصد مفاد قانون، به اهداف مدنظر رسیده‌اند و در مقابل، ۴۷٫۱ درصد آنها عملکرد فاقد اثربخشی داشته‌اند. همچنین، ۱۱٫۸ درصد نیز کلاً فاقد عملکرد هستند و ۷٫۱ درصد عملکرد ناکارا دارند اما هفت قانونی که عملکرد آنها توسط دیوان محاسبات کشور مورد بررسی قرار گرفته و جزئیات آن در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته عبارتند از:

الف) قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات (مصوب سال ۱۳۸۹)؛

ب) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار (مصوب سال ۱۳۹۰)؛

ج) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (مصوب سال ۱۳۹۴)؛

د) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب سال ۱۳۹۴)؛

ه) قانون برنامه ششم؛ مواد مرتبط با بخش تولید (مصوب سال ۱۳۹۵)؛

و) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی (مصوب سال ۱۳۹۸)؛

ز) قانون اصلاح مواد (۱) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (مصوب سال ۱۳۹۹).

۲) اندیشکده اقتصاد مقاومتی در پژوهشی نقش ۱۰ دستگاه اثرگذار و قابل توجه در تحقق اقتصاد مقاومتی را براساس ۹۵ اقدام «جهشی و اولویت‌دار» اقتصاد مقاومتی و مقایسه آن با پروژه‌های مصوب هر دستگاه در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که وزارت جهاد کشاورزی با نمره ۴۳،۴ از ۱۰۰ در صدر جدول قرار دارد و پروژه‌های تعریف شده برای این دستگاه در ستاد، بیشترین انطباق را با «اقدامات جهشی و اولویت‌دار» اقتصاد مقاومتی را دارد. همچنین میانگین نمره اقتصاد مقاومتی این دستگاه‌ها برابر ۱۸،۳ است. رتبه‌بندی این دستگاه‌ها براساس بیشترین نمره اقتصاد مقاومتی به شرح زیر است:

الف) وزارت جهاد کشاورزی؛

ب) وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛

ج) سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور؛

د) وزارت صنعت، معدن و تجارت؛

ه) وزارت نفت؛

و) وزارت راه و شهرسازی؛

ز) وزارت نیرو؛

ح) وزارت امور اقتصادی و دارایی؛

ط) بانک مرکزی؛

ی) وزارت امور خارجه.

بنابراین کاملاً روشن است که معدل و میزان تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی از ناحیه دستگاه‌های ذکر شده به مراتب کمتر از متوسط و نتایج مورد انتظار است (بقای، ۱۳۹۶: ۳).

۳) ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی آبان ماه سال ۱۳۹۵ بسته حمایت از «توسعه اشتغال پایدار» را در راستای مردمی کردن اقتصاد و حداکثرسازی مشارکت اقتصادی و برای بهره‌برداری از مزیت‌های رقابتی و نسبی ایران با اولویت مناطق روستایی تصویب کرد. این ستاد همچنین در تیرماه سال ۱۳۹۶، «برنامه اشتغال فراگیر» را با هدف ایجاد ۹۷۰ هزار شغل در سطح کشور به دستگاه‌ها ابلاغ کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مبنای هر دو مصوبه، اعطای تسهیلات است. این مبنای سه دهه در طرح‌های اشتغال‌زایی دولت‌های گذشته نیز وجود داشت و در نهایت در ایجاد اشتغال نتیجه‌بخش نبود. مسئله اشتغال با مناسب‌سازی محیط کسب و کار و رونق تولید ملی از طریق فعال شدن لوکوموتیوهای اقتصادی حل می‌شود و اعطای تسهیلات باید آخرین مرحله از زنجیره اشتغال‌زایی باشد. در اواخر فروردین ماه سال جاری، ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، ۲۰۲ تکلیف برای رونق تولید و اشتغال به ۲۴ دستگاه ابلاغ نمود. این تکلیف در قالب ۵ بسته طراحی شده و موارد قابل توجهی را شامل می‌شود. اما عمده تکلیف تعیین شده، نه از جنس «اقدام اجرایی» بلکه از جنس «ارائه برنامه»، «طراحی سازوکار»، «تدوین مدل»، «شناسایی مسائل و راه‌حل‌ها»، «پیشنهاد راهکار» و «تهیه گزارش» است. در واقع این موارد، بایستی تبدیل به پروژه شود تا در دستورکار دستگاه اجرایی قرار بگیرد؛ در غیر این صورت، پیگیری و اجرای آن با ابهام مواجه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون، این تکلیف چندان مورد توجه قرار نگرفته و دستگاه‌ها تاکنون گزارشی در خصوص اقدامات خود در این زمینه ارائه نکرده‌اند (بقای، ۱۳۹۶: ۴).

۴) مهمترین نکته نظرات مقام رهبری در دوره اول اجرای اقتصاد مقاومتی (مقطع زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵) که در مناسبت‌های مختلف بیان فرموده‌اند به شرح ذیل می‌باشد (KHAMENEI.IR).

- در باب حماسه اقتصادی کاری که باید انجام بگیرد و توقع بود که اتفاق بیفتد، اتفاق نیفتاد. تلاش‌هایی انجام گرفت که مورد سپاس است، ولی کار بزرگی که باید در زمینه حماسه اقتصادی انجام بگیرد، همچنان در پیش‌روی ما است و ما موظفیم که این حماسه را به وجود بیاوریم. مسئله اساسی اقتصاد برای کشور ما و ملت ما یک مسئله مهم است؛ در اواخر سال ۱۳۹۲ بحمداله یک زیرساخت فکری و نظری برای حماسه اقتصادی به وجود آمد؛ سیاست‌های «اقتصاد مقاومتی» اعلام شد و زمینه آماده است برای اینکه انشاءالله تلاش لازم در این باب انجام بگیرد (پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال جدید، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹).

- با ابلاغ این سیاست‌ها، مردم اکنون منتظر اجرای آنها و تأثیرات مثبت ناشی از اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هستند، بنابراین دولت، مجلس و قوه قضائیه باید بطور جدی وارد میدان شوند و وظایف مربوط به خود را، در هر بخش، پیگیری و اجرا کنند (بیانات رهبر در جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۱۲/۰۶).

- در طول این سال‌ها همیشه تلاش‌هایی شده است لکن کافی نیست. آنچه ما می‌خواهیم بگوئیم، این است که باید یک نفس جدیدی به این کار داده بشود. امروز بیست‌ونهم بهمن است. سال گذشته بیست‌ونهم بهمن، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به دستگاه‌های مختلف ابلاغ کردیم؛ امروز یک سال گذشته. اقتصاد مقاومتی برای کشور ضروری است (بیانات رهبر در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

- روزی که این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اعلام شده است و ذکر آن مکرر گفته شده است، مسئولین مختلف - دولتی‌ها، مجلس محترم، دستگاه‌های مختلف، مسئولان گوناگون - در مقام حمایت و ستایش از این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برآمده‌اند و مکرر گفته شده، لکن تجربه بنده به من می‌گوید که ستایش کافی نیست؛ تعریف کردن کافی نیست؛ حرکت لازم است. بله، افرادی می‌آیند، می‌نشینند، در منبرهای عمومی یا در جلسات خصوصی از مزایای این اقتصاد مقاومتی مطالبی را بیان می‌کنند و غالباً هم درست است اما خوب باید اقدام کرد، عمل کرد (بیانات رهبر در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳/۰۳/۰۴).

- از وقتی که این عنوان مطرح شده، شاید هزار مرتبه از طرف مسئولین - با کم و زیادش - تأیید شده؛ مسئولین مختلف، فعالان اقتصادی، حتی فعالان سیاسی، مسئولین دولتی، مجلس، غیره، مکرر گفته‌اند اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی؛ خوب، خوب است؛ لکن با اسم و با تکرار زبانی هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ هیچ اتفاقی نمی‌افتد. با بردن اسم دارو و تکرار اسم دارو هیچ بیماری خوب نمی‌شود؛ دارو را باید مصرف (بیانات رهبر در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی، ۱۳۹۳/۱۱/۰۶).

- سال ۹۳، شروع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بود. دوستان دولت هم گزارش‌هایی به من دادند ... حالا یک گزارش مفصلی فرستادند که البته برای من خلاصه کردند آن گزارش را و تماماً خواندم، نگاه کردم. کارهایی که انجام گرفته در زمینه اقتصاد مقاومتی، بعضی‌ها کارهای مقدماتی است ... بعضی از کارهایی که گزارش شده، مربوط به بندهای اقتصاد مقاومتی نیست ... اینها آمده جزء کارنامه دستگاه‌ها در زمینه اقتصاد مقاومتی؛ درحالی‌که این نیست. بعضی از کارها هم ارتباطی اصلاً به بندهای اقتصاد مقاومتی ندارد؛ این مقدار کافی نیست (بیانات رهبر در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴).

۴- آسیب‌شناسی سیاست‌های حوزه اقتصاد مقاومتی

۴-۱- آسیب‌ها و چالش‌های اساسی اقتصادی در ایران

برای اینکه بتوانیم درک درستی از آسیب‌ها و مشکلات مترتب بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم، ضرورت دارد تا ابتدا نگاهی به مشکلات اساسی حوزه اقتصادی در ایران که معلول چندین دهه اقتصاد رانتیر است داشته باشیم. بر همین اساس و در یک نگاه اجمالی مهم‌ترین نقاط ضعف اقتصاد کشور را در سه حوزه اصلی ذیل می‌توان برشمرد:

۴-۱-۱- مشکلات ساختاری شامل

- وابستگی کشور به کالاهای حیاتی و استراتژیک خارجی

اگرچه در سال‌های پس از انقلاب، کشور در بسیاری از نیازهای حیاتی به خودکفایی رسیده است، اما هنوز هم در بخشی از مهم‌ترین نیازهایش به خارج وابسته است. نگاهی به لیست واردات کشور نشان می‌دهد که در عرصه کالاهای خوراکی مواردی همچون: برنج، دانه ذرت دامی، قند و شکر، گوشت، روغن خام سویا در زمره بیست کالای اول وارداتی هستند. در حوزه صنعتی نیز شمش فولاد بعنوان یکی از مهم‌ترین اقلام صنعت، اولین کالای وارداتی کشور است. بطور کلی آمار واردات کشور نشان می‌دهد که بیش از ۲۵ درصد واردات کشور در بیست قلم کالا خلاصه می‌شوند که بخش عمده‌ای از آنها به نیازهای مهم و استراتژیک (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۲).

- وابستگی به دانش و فناوری کشورهای غربی

«تولید کارآمد» با «چرخه نوآوری و پیشرفت در تولید» تفاوت دارد. به این معنی که علاوه بر تولید کالا در داخل، بومی‌شدن توان تولید، همراه با نوآوری مستمر آن اهمیت دارد. علم و فناوری عامل اصلی است که باعث می‌شود بتوانیم محصول را تولید کنیم و بطور مستمر آن را با نیازهای روز پیشرفت دهیم. علی‌رغم پیشرفت‌های علمی فراوان کشور، هنوز پایه علمی و تحقیقاتی در بسیاری از تولیدات شکل نگرفته و علاوه بر این در محصولات با فناوری بالا و دانش‌بنیان توان کافی در کشور وجود ندارد. مثلاً صنعت نفت، صنعتی با فناوری بالا است که هنوز در کشور پایه‌های علمی و فناوری آن بطور کامل شکل نگرفته است، در حالیکه بیش از صد سال است که نفت ملی شده است.

- اتکا و وابسته‌شدن به ساختارهای متمرکز بین‌المللی و جهانی

امروزه دیگر بر کسی پوشیده نیست که ساختارهای جهانی از ابتدا برای تسهیل سلطه کشورهای قلیل قدرتمند بر مناسبات جهانی و دیگر کشورها طراحی شده‌اند. لذا وابسته کردن کشور به نظام‌های جهانی این فرصت را به کشورهای غربی می‌دهد تا از ظرفیت این نهادها برای فشار بر کشور استفاده نمایند که ملت ایران نمونه‌هایی از برخوردهای تبعیض‌آمیز این نهادها را در مسائل سیاسی از جمله انرژی هسته‌ای، حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و ... تجربه کرده است. در عرصه اقتصادی نیز نهادهای جهانی و ساختارهای آنها چنین رفتار و کارکردی دارند. وابسته شدن تبادلات مالی، کالایی و اطلاعاتی کشور به زیرساخت‌های جهانی این فرصت را برای کشورهای غربی فراهم کرده است تا کشور را با مشکلاتی مواجه نمایند. برای مثال به دلیل اتکا به ارز جهانی و زیرساخت‌های تبادل پول، با تحریم بانک‌های کشور و بستن گلوگاه‌های تبادلات مالی، واردات و صادرات با اتکا به برخی دیگر از سیستم‌های جهانی تبادل کالا به کشور (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳).

- وابسته شدن درآمد کشور به صادرات نفت

درآمد حاصل از نفت همچنان بخش مهمی از درآمد کشور را تشکیل می‌دهد. این درآمد اولاً تک‌محصولی و ناشی از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای کشور است و ثانیاً متأثر از رفتار کشورهای متخاصم است که تحریم ۱۹ خرید نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود. به‌ویژه وقتی این تصمیم با تحریم‌های مالی همراه می‌شود، دریافت درآمد فروش آن مقدار از نفت به دیگر کشورها هم عملاً مشکل می‌شود. لذا وابستگی بودجه کشور به این مقدار از درآمد نفتی یک نقطه ضعف مهم است.

- نارسایی و ضعف تولید داخلی

در اقتصاد مقاومتی، ساختار و سازمان تولید بگونه‌ای است که به لحاظ فناوری، مواد اولیه و نیروی متخصص می‌تواند بدون نیاز به کشورهای بیگانه یا حتی‌المقدور بدون وابستگی به کشورهای خاص ادامه فعالیت دهد و پاسخگوی نیازهای اساسی مردم و بخش‌های مختلف اقتصادی باشد. این نقیصه از زمان استقرار صنایع ماشینی و کارخانه‌ای در صنایع کشور وجود داشته و در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز با وجود همت متخصصان کشور در این راه، هنوز این زنجیره‌های وابستگی به کشورهای بیگانه و به‌خصوص کشورهایی که در سیاست‌های خود همواره مقابل جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند، قطع نشده و اکنون در شرایط تحریم مشکلات جدی فراهم آورده تا جائیکه فشارهای تحریم بسیاری از خطوط تولید را به تعطیلی کشانده است. حمل‌ونقل و به‌خصوص حمل‌ونقل هوایی بعنوان یکی از زیرساخت‌های مهم اقتصاد کشور به شدت به خارج وابسته بوده و در شرایط فشار آسیب‌پذیر نشان داده است. صنعت خودروسازی با وجود سابقه فراوان در کشور

هنوز از تولید بسیاری از قطعات ناتوان است، صنایع پتروشیمی هنوز نتوانسته است زنجیره تولید بسیاری از صنایع از جمله صنایع نساجی، منسوجات و فرش را تکمیل کند. صنعت الکترونیک نیز بدون ورود قطعه از خارج موجودیتی نخواهد داشت. حتی در تولید کشاورزی و دامداری نیز از نظر کود شیمیایی، سموم دفع آفات و داروهای دامی وابسته بوده‌ایم. بدیهی است که در این شرایط، اردوگاه استکبار امیدوار باشد که با حربه اقتصاد ما را به زانو درآورد. اهمیت تولید ملی تا جایی است که برخی آن را اساس و کلید اقتصاد مقاومتی دانسته‌اند. در اقتصاد مقاومتی لازم است زنجیره‌های تولید بیش از آنکه به خارج گره بخورد، در داخل کشور تکمیل گردد. اصلاح ساختار و سازمان تولید در کشور یک تحول اساسی، بنیادین و پرهزینه و در عین حال گران‌بها و ارزشمند است. بی‌تردید هر ایرانی وطن‌دوست که ذره‌ای علاقه به آب و خاک در وجود او بوده و عزت و سربلندی مملکت برایش مهم است، اگر احساس کند راه و شیوه درستی در مسیر اصلاح، ترقی و بهبود ساختار تولید در مملکت در پیش گرفته شده و روزنه‌های فساد، رانت‌خواری و سوءاستفاده در این مسیر بسته است، حاضر است مشقات راه را تحمل کرده و از جان و دل در این راه کوشش نماید؛ هم‌چنان‌که سال‌ها چنین عمل کرده است (فصیحی، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

متأسفانه عدم جامع‌نگری در سیاست‌های اقتصادی، چرخش ناگهانی و کارشناسی نشده در سیاست‌های اقتصادی پس از تغییر دولت‌ها و مسئولان اجرایی، مصلحت‌اندیشی‌های شخصی و جناحی در قانون‌گذاری و اجرا، ناهماهنگی قوای قانون‌گذاری و اجرایی، عدم استفاده و دخالت ندادن مراجع علمی و دانشگاهی در سیاست‌گذاری‌ها و بروز فساد و رانت‌خواری اعتماد به برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی را کاهش داده است. اصلاح ساختار و سازمان تولید تنها با برنامه‌ریزی‌های علمی، کارشناسانه درازمدت و میان‌مدت محقق می‌گردد. اگر برنامه‌ها، متناسب با توان مالی و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های واقعی (و نه آرمانی) و با اهداف عملیاتی روشن پی‌ریزی شده و هر دولت و مقننی خود را بدان ملزم و پایبند بداند و سازوکارهای لازم برای جلوگیری از انحراف و اعمال سلیقه قوای مجریه و مقننه بر برنامه‌های تصویب شده پیش‌بینی گردد، می‌توان امید داشت. با نگاه اجمالی به قوانین موضوعه کشور نشان می‌دهد که به لحاظ کلی، تاکنون خلایق از جهت قانون وجود نداشته و در سیاست‌های کلان به حمایت از تولید داخلی، محدودسازی واردات و هدایت مصرف به این مسیر توجه کافی مبذول شده است، اما آنچه جای تردید باقی می‌گذارد، میزان اهتمام و توجه به اجرای قوانین، راهکارهای اجرایی و عملیاتی کردن آنها و اندیشیدن و فراهم‌سازی زمینه‌ها و بسترهای اجرایی مربوطه است و این چیزی است که تاکنون بسیاری از مصوبات و قوانین را به بایگانی سپرده است. کمتر اتفاق افتاده که اهداف آرمانی مطرح شده در قوانین و برنامه‌های کلان با ظرفیت‌های مالی دولت و بودجه همخوانی داشته و یا برنامه عملیاتی جامعی متناسب با آن اندیشیده شده باشد. نبود جامعیت در قوانین مشکل دیگر در این

زمینه است؛ بطوریکه قانون، فقط یک جنبه از قضیه را مورد توجه قرار داده و با بی‌توجهی به ابعاد دیگر، عملاً جنبه مورد توجه قرار گرفته را هم ابتر گذاشته است (فصیحی، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

۴-۱-۲- مشکلات اجرایی و مدیریتی

- فقدان مهندسی در تعاملات اقتصادی

بطور طبیعی منظور از اقتصاد مقاومتی، اقتصادی نیست که با دیگر کشورهای دنیا تعامل نداشته باشد. چنین اقتصادی نه ممکن است و نه مطلوب. نکته کلیدی در اقتصاد مقاومتی عبارت از «مهندسی تعاملات تجاری» است. در صورت مهندسی درست تعاملات اقتصادی، می‌توان از دیپلماسی اقتصادی و فناوری در جهت پیشبرد اهداف انقلاب استفاده کرد. مثلاً در صورتی که کشور در عرصه‌هایی تصمیم به عدم تولید کالا در داخل و تأمین آن از خارج بگیرد، ضرورتی ندارد که این واردات از کشورهای انجام شود که با ما دشمنی بیشتری دارند. چنان‌که در سال ۱۳۸۸ بیش از ۷۵ درصد از واردات کشور ما از ۱۱ مبدأ انجام گرفته است که هفت مبدأ آن یا اروپایی بوده است یا وابسته به غرب.

- توزیع نابرابر ثروت

۲۱

از جمله خصیصه‌هایی که با تأثیر بر قاچاق کالا می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی اختلال ایجاد نماید، عدم توزیع بهینه درآمد ملی در قالب مجاری رسمی اقتصادی و نارسایی‌های موجود در اقتصاد کشور است؛ بگونه‌ای که زمینه را برای انجام فعالیت‌های قاچاق با کمترین ریسک فراهم می‌آورد. اقتصاد مقاومتی، نیازمند پشتیبانی و عزم عمومی جامعه است؛ توزیع نابرابر ثروت، نه تنها مانع بسیج اراده‌ها و مخل عزم استوار مردم در همراهی با مسئولان در شرایط اضطرار و بحران است، بلکه از سوی دیگر وقتی ساختار توزیع درآمد در اقتصاد بگونه‌ای باشد که نتواند انتظارات درآمدی افراد را برآورده نماید، انگیزه آنان برای فعالیت‌های غیررسمی تحریک شده و این انگیزه در صورت نارسایی‌های موجود، در حوزه‌های فرهنگی، حقوقی و ... به فعلیت می‌رسد. رشد فعالیت‌های قاچاق از دو طریق بر توزیع درآمد اثرگذار است: نخست؛ از طریق کاهش درآمدهای دولت برای توزیع مجدد و کاهش اختلاف طبقاتی که باعث می‌شود سیاست‌ها و اهداف دولت برای کمتر کردن فاصله بین فقرا و ثروتمندان و توزیع عادلانه ثروت تا حدی خنثی شود. دوم اینکه؛ قاچاق منجر به ایجاد نوعی اختلاف طبقاتی می‌شود که بطور طبیعی، بر اثر این فعالیت غیرقانونی در جهت بهبود وضعیت عاملان آن ایجاد می‌گردد. فعالیت‌های قاچاق به دلیل سودآوری، موجب تشکیل یک طبقه فوق‌العاده ثروتمند در جامعه می‌شود، یعنی بخش کوچکی از جامعه ثروت‌های هنگفتی به دست می‌آورند. شدت نابرابری توزیع درآمد از

لحاظ ساختاری و همچنین فرهنگی، زمینه را برای فعالیت‌های قاچاق فراهم می‌کند. اگرچه توزیع نابرابر درآمد، خود یکی از آثار فعالیت‌های قاچاق است. بعبارت دیگر، افزایش درآمد در بخش غیررسمی و پنهان نسبت به اقتصاد رسمی منجر به افزایش شدت نابرابری درآمد خواهد شد و نابرابری درآمد نیز خود منجر به تمایل به فعالیت‌های غیرقانونی، از لحاظ فرهنگی می‌گردد (فصیحی، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹).

۴-۱-۳- مشکلات فرهنگی مترتب بر نظام الگوی مصرف

الگوهای کنونی مصرف در جامعه ما، با شرایط و ملزومات اقتصاد مقاومتی ناسازگار هستند. اقتصاد مقاومتی بر قناعت، صرفه‌جویی، ساده‌زیستی، پرهیز از اسراف، ترجیح مصرف کالای داخلی، حذف خریدهای غیرضروری، حذف تشریفات و منع مدگرایی مبتنی است. در حالی که آنچه در زندگی عملی مردم و حتی بسیاری از مدیران جامعه و دست‌اندرکاران دیده می‌شود، خلاف آن است. اقتصاد ایران از زمان صفویه و با گشوده شدن پای اروپائیان به کشور، دستخوش دگرگونی و مصرف‌زدگی شده است. پس از استخراج نفت نیز، مصرف‌زدگی با تولید تک‌محصولی عجین شده و حاصل این دو، چیزی جز مصرف‌زدگی شدید نبوده است. برای مثال، مصرف آب در کشور ما سه برابر استاندارد جهانی و مصرف سوخت‌های فسیلی به اندازه یک جامعه ۲۵۰ میلیون نفری است. و جای تأسف است که رشد مصرف از رشد جمعیت پیشی گرفته که این، به معنای شتاب در مصرف‌زدگی و تشدید الگوهای غلط مصرفی است. طی مدت یک‌ساله سال ۱۳۸۸، مصرف خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها ۲/۷ درصد، مصرف کالاهای بهداشتی و درمانی ۲۱ درصد، مصرف آب برق و گاز ۰/۶ درصد و مصرف پوشاک و کفش ۰/۵ درصد رشد داشته است (منصوری، ۱۳۹۰: ۵). سبک و سیاق زندگی شکل گرفته در جامعه کنونی ما نیز با معیارهای مذهبی همخوانی ندارند و حتی آداب مذهبی با اسراف و تجمل آمیخته شده‌اند. برای مثال، اغلب وسایل و کالاهایی که خانواده‌ها برای زوج‌های جوان بعنوان جهیزیه تدارک می‌بینند، غیرضروری بوده و هیچ مورد استفاده‌ای نمی‌یابند. تأسف‌بارتر اینکه بسیاری از این اقلام، تولید داخل نیستند و در برابر آنها، منابع ارزی به مصرف رسیده است. تشریفات و تپذیری که در مراسم و آئین‌های مختلف انجام می‌شود و مصرف‌زدگی، حتی اگر مصرف کالای داخلی نیز باشد، مغایر الگوی اقتصاد مقاومتی است. زیرا در تولید آنها، منابعی به مصرف رسیده‌اند که می‌توانست در تولید کالای دیگری که نیاز جامعه است، مورد استفاده قرار گیرد. در همه اقتصادها، سرمایه عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. بدیهی است که در الگوهای نامتناسب مصرف، که از مصرف بهینه دور می‌شود، گاهی مصرف، تمامی درآمد خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد و وجوهی برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری باقی نمی‌ماند. در صورتی که یک نظام اقتصادی به این وضعیت دچار شود، رشد خود را از دست می‌دهد و به رکود مزمن دچار می‌گردد.

در مقابل فرهنگ مصرف، فرهنگ دیگری وجود دارد که عبارت از بکارگیری صحیح ثروت و درآمد در جهت رفع نیازها با صرف حداقل هزینه است که باعث می‌شود هزینه‌های مصرفی کم شود و پس‌انداز افزایش یابد (عزتی، ۱۳۸۸ : ۳). در کشور ما، مصرف‌کنندگان به مصرف بیش‌تر تمایل دارند، بدون اینکه اقتصاد کشور فرآیندهای یاد شده را در افزایش اشتغال، ارتقای بهره‌وری و مصرف صرفه‌جویانه طولانی‌مدت سپری کرده باشد. از سوی دیگر، با اینکه تحریم‌های اقتصادی جهانی از ابتدای انقلاب اسلامی با شدت و ضعف وجود داشته و در سال‌های اخیر تشدید گردیده است، متأسفانه با نبود درک کامل از شرایط، به جای مدیریت اقتصاد مبتنی بر تحریم و اعمال این نوع اقتصاد از سوی دولت، به تمایلات مصرفی شهروندان، هرچه بیش‌تر دامن زده شده است. در حالیکه تحریم اقتصادی ایران می‌توانست شرایطی را فراهم آورد تا از واردات (بوپژه واردات کالاهای مصرفی) در حد توان جلوگیری شود، در عمل می‌بینیم که واردات کشور از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ به پنج برابر رسیده و در نتیجه اقتصاد ایران، به واردات کالاهای خارجی وابسته‌تر شده است (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۶).

در هر صورت، دیپلماسی تهاجمی در سیاست با سیاست اقتصادی ادغام‌گرا (و آن هم با سمت و سوی واردات بیشتر) با یکدیگر همخوانی ندارد و این تعارض باید بگونه‌ای حل شود؛ چراکه در شرایط تحریم، هم هزینه‌های واردات افزایش می‌یابد و هم خطرپذیری واردات بالا می‌رود و حتی در مواقعی ممکن است واردات کالاهای واسطه‌ای با خطرپذیری شدیدی روبرو شود و تولید محصولاتی که به کالاهای واسطه‌ای وابسته است مختل گردد. بنابراین طبیعی است که هرچه آن محصولات ضروری‌تر و حیاتی‌تر باشند، آسیب بیشتری بر مصرف‌کنندگان وارد می‌کنند. در کشورهای صنعتی امروز نیز تا دهه اول قرن بیستم، گرایش‌ها ناظر بر مذموم انگاشتن مصرف‌های غیرضروری و به‌خصوص ناپسند دانستن گرایش به مصرف کالاهای تجملی بوده است. از این هنگام است که با پدیدار شدن قدرت تولید انبوه، علم اقتصاد مصرف‌گرایانه شکل می‌گیرد و نظریه تقاضا محور مطرح می‌شود. از این زمان، گسترش و نفوذ در بازارهای بین‌المللی، بازاریابی، فروش اقساطی، علائم تجاری، ترویج مدگرایی و تبلیغات بازرگانی بعنوان یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند بر مصرف‌کنندگان اثر بگذارند و نیازها را ایجاد کنند، مطرح می‌شوند (فلوزا، ۱۳۷۰ : ۸۰).

۴-۲- آسیب‌ها و مشکلات مترتب بر سیاست‌های حوزه اقتصاد مقاومتی در علم و عمل دولت

در مطالعات صورت گرفته توسط پژوهشگران حوزه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مهمترین دلایل عدم موفقیت کامل سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و آسیب‌های موجود از منظر آموزه‌های سیاستگذاری عمومی به شرح ذیل بیان شده است:

- با عنایت به آموزه‌های سیاستگذاری در حوزه مدل‌های سیاستگذاری اقتصادی، می‌توان گفت به‌رغم اینکه برخی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از آن جهت که به عرصه‌های «درون‌زایی» و «برون‌زایی» متمرکز می‌باشند و ناگزیر با مدل‌های سیاستگذاری اقتصادی انطباق پیدا می‌کنند، لیکن از باب نظری و سیاستگذاری توجه جدی به مدل‌های مذکور که از قضا در برخی کشورها اجرا و دارای نتایج موفقیت‌آمیزی نیز بوده‌اند ندارد.

- هنوز تعریف منسجم و جامع و مانع و یکسان از اقتصاد مقاومتی در بین مسئولان بویژه دولتمردان وجود ندارد و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های اجرایی دیده نمی‌شود. پیگیری و پرداختن به موضوع اقتصاد مقاومتی بعنوان اولویت بسیاری از دستگاه‌های مسئول تلقی نمی‌شود.

- از حداقل ظرفیت‌های «مادی و معنوی» و «بالقوه و بالفعل» کشور در جهت تحقق اهداف موردنظر در اقتصاد مقاومتی استفاده نمی‌شود.

۲۴

- انگیزه لازم در بسیاری از مسئولان در اولویت‌بخشی به موضوع اقتصاد مقاومتی به چشم نمی‌خورد.

- تکیه به آمارهای فریبنده و بعضاً متناقض و غیرصحيح، مسئولان را به خودشیفتگی کشانده است، در حالیکه بین حقایق موجود در کشور و آمارها فاصله زیادی وجود دارد.

- از صاحبان اندیشه و عمل در حوزه اقتصاد مقاومتی حمایت لازم به عمل نمی‌آید و در مواردی در جهت بی‌انگیزه کردن آنان نیز اقداماتی صورت پذیرفته است.

- بین «صف و ستاد» تفکیک و مرزبندی دیده نشده و به‌رغم ایجاد «ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی»، دولت در حد و اندازه‌های فرماندهی اقتصاد مقاومتی ظاهر نشده و آمارهای ارائه شده به خوبی نشان می‌دهد که دولتمردان اقدامات جاری خود را بعنوان خروجی اقتصاد مقاومتی با آمارهای غیرقابل اتکا توجیه می‌کنند.

- رویکرد شناختی در باب اقتصاد مقاومتی به‌جای رویکرد و تفکر نهادگرایی و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی اعم از نیروی انسانی، معادن، گردشگری، کشاورزی و ... متأسفانه کماکان بر مکاتب غیربومی و غربی «کلاسیک و نئوکلاسیک» تأکید دارد.

- هنوز پس از چند سال موضوع اقتصاد مقاومتی به فرهنگ اقتصادی کشور در حوزه‌های آموزشی، برنامه‌ریزی، مدیریتی و ... (متولیان، ۱۳۹۶: ۲).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ما به دنبال پاسخ دادن به این سوال بودیم که چرا و به‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی و برخی اقدامات صورت گرفته در مقطع زمانی دولت‌های یازدهم و دوازدهم، لیکن اهداف این سیاست‌ها تحقق نیافته و مشکلات اقتصادی همچنان در کشور مشاهده می‌شوند؟ در پاسخ به این سوال و نیز اثبات فرضیه تحقیق که مشکلات موجود را ناشی از عدم اتخاذ و اجرای سیاست‌های مناسب در حوزه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌دانست، و نیز براساس داده‌های مطرح شده در این پژوهش آنچه را که بعنوان نتیجه‌گیری مباحث می‌توان گفت این است که صرف‌نظر از اینکه بخشی از مشکلات و آسیب‌های مترتب بر حوزه اقتصاد ایران، ناشی از مشکلات زیرساختی که محصول بیش از یک قرن اقتصاد تک‌محصولی و عدم سیاست‌های صحیح اقتصادی است، لیکن آنچه که قابل اثبات است این است که وجود مشکلات و آسیب‌های موجود در اقتصاد ایران و عدم تحقق کامل اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، بیش از آنکه منبعث از راهبرد اقتصاد مقاومتی در حوزه نظری و یا زیرساخت‌های قانونی آن باشد، بیشتر از ضعف جدی در سیاست‌گذاری‌های اقدام و عمل دولت‌های یازدهم و دوازدهم ناشی می‌شود که قریب به یک دهه می‌بایست در این رابطه اقدام می‌کرده است که البته چنین چیزی در عمل مشاهده نمی‌شود.

۲۵

از سوی دیگر سیاست‌گذاری اقتصادی دارای روش‌شناسی و رهیافت‌های نظری متنوع است و از مدل‌های متفاوت بهره می‌گیرد. عبارت دیگر، «پیوند قالب‌های روشی و نظری» بستر شکل‌گیری مدل‌هایی را فراهم می‌آورد که بخشی از واقعیت‌های نظام اقتصادی کشورها را شکل می‌دهد. به این ترتیب، می‌توان تأکید داشت که هر مدل اقتصادی ترکیبی از روش‌شناسی خاص، مبانی تئوریک و نظری مشخص و در نهایت شکلی خاص از فرایند اجرایی است. لذا به‌رغم اینکه مدل‌های سیاست‌گذاری اقتصادی «تحلیل استراتژیک» می‌بایست در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مقاومتی مدل نظر قرار گیرد، ضرورت دارد تا از آنجائیکه اساساً یک جنگ اقتصادی از ضوابط و چارچوب‌های خاصی تبعیت نمی‌کند، سایر مدل‌های اقتصادی و از جمله مدل «تحلیل مرحله‌ای»، مدل «تصمیم‌گیری»، مدل «سازمان، سلسله مراتب و شبکه»، مدل «سازمان‌ها و نهادهای فرادولتی»، «مدل تعادل ایستا» در سیاست‌های اقتصادی مدنظر قرار گیرند، چراکه مطلوبیت هریک از این مدل‌ها بستگی به شرایط اقتصادی، فضای بین‌المللی و همچنین شاخص‌های اجتماعی کشوری دارد که چنین مدلی می‌تواند در آن مورد استفاده قرار گیرد. چه اینکه قرین گرفتن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با تحریم و مشکلات خارجی از جمله اشتباهاتی است که امروزه در بخشی از افکار عمومی مردم و حتی خواص شکل گرفته است. این در حالی است که خودکفا بودن اقتصاد در هر شرایطی ضروری و از جمله مؤلفه‌های اصلی یک کشور

مستقل و فعال در حوزه بین‌الملل محسوب می‌گردد. در عین حال از آنجائیکه اساساً در یک جنگ اقتصادی، تلاش برای از هم پاشیدگی اقتصاد، از اهداف دشمن محسوب می‌گردد، لذا اتخاذ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که می‌تواند با وجود تحریم‌های اقتصادی، ما را در مقابل تهدیدات و از هم پاشیدگی اقتصاد حفظ کند. بر همین اساس تأکید می‌گردد که ضرورت دارد تا با نگاه ویژه به آموزه‌های سیاستگذاری عمومی و انتخاب اصلح و نیز رویکردهای متناسب با شرایط اقتصادی و فرهنگی ایران، راهکارهای صحیح و دقیقی را اتخاذ و اجرا نمود. چه اینکه پیشنهاد می‌گردد؛

- در حوزه نظری و سیاستگذاری ضمن توجه به مدل‌های سیاستگذاری اقتصادی، نسبت به استفاده از ظرفیت‌های علمی و نظری اقتصادی در این رابطه عنایت لازم را به خرج دهند.

- در حوزه عملی نیز ضمن بازبینی اقدامات صورت گرفته، نسبت به فعال نمودن ظرفیت‌های تعطیل اقتصادی، حذف نقاط ضعف و تقویت و تشدید نقاط قوت تدابیر لازم را به عمل آورند.

- در حوزه رفع چالش‌ها و آسیب‌های موجود که به مواردی از آن در این پژوهش اشاره گردید.

- توجه و نسبت به رفع آنها اقدام جدی به عمل آورند. دوره ارزیابی سیاست‌های اقتصادی در حوزه اقتصاد مقاومتی کوتاه مدت و حداکثر ۶ ماهه به انجام برسانند تا از عادی‌انگاری و روزمره شدن سیاست‌ها جلوگیری شود.

- از افراد متعهد و متخصص و معتقد به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در این حوزه استفاده شود.

- افزایش دامنه مشارکت عمومی و میدان دادن به بخش خصوصی به شکل جدی و عملی مورد توجه باشد.

فهرست منابع

فارسی:

۱- ایمانی، رامتین و افلاکی خسروشاهی، علی (۱۳۹۸)، «اقدامات صورت گرفته در راستای اقتصاد مقاومتی»، نشریه اقتصاد مقاومتی، ش ۶.

۲- بقایی، سیدبهبزاد (۱۳۹۶)، «ارزیابی عملکرد نهادهای اقتصادی در ایران برای تحقق اقتصاد مقاومتی»، پژوهش‌های اندیشکده اقتصاد مقاومتی.

۳- بی‌نا، «پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال جدید»، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹.

۴- بی‌نا، «بیانات رهبر در جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب»، ۱۳۹۲/۱۲/۰۶.

۵- بی‌نا، «بیانات رهبر در دیدار مردم آذربایجان»، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.

- ۶- بی‌نا، «بیانات رهبر در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، ۱۳۹۳/۰۳/۰۴.
- ۷- بی‌نا، «بیانات رهبر در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی»، ۱۳۹۳/۱۱/۰۶.
- ۸- بی‌نا، «بیانات رهبر در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت»، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴.
- ۹- حمیدی سولا، حسن (۱۳۹۶)، **اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل**، تهران: انتشارات سپهر.
- ۱۰- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه»، فصلنامه مشکوه، ش ۱۱۸.
- ۱۱- رهبر، فرهاد و همکاران (۱۳۹۳)، «رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، **نشریه اقتصاد مقاومتی**.
- ۱۲- شاهمرادی، اصغر (۱۳۸۸)، «برنامه‌ریزی اقتصادی و سیاستگذاری اقتصادی با یک تذکر»، **روزنامه دنیای اقتصاد**، ش ۱۸۷۶.
- ۱۳- فیروزآبادی، مرتضی (۱۳۹۱)، «سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی»، **مجله نقشه راه اقتصاد مقاومتی**، ش ۲.
- ۱۴- فصیحی، حبیب‌اله (۱۳۹۱)، «شیوه‌های مبارزه با قاچاق کالا در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی»، **نشریه اقتصاد پنهان**، ش ۱۴.
- ۱۵- فصیحی، حبیب‌اله (۱۳۹۰)، «کیفیت کالای قاچاق و بهداشت و سلامت اجتماع»، **مجموعه سخنرانی‌های همایش تخصصی راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز**، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- ۱۶- فلوزا، دنیس (۱۳۷۰)، **اقتصاد معاصر**، ترجمه: منوچهر فرهنگ، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۷- قاسمی، علی (۱۳۹۵)، «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل نقشه راه پیشرفت و عدالت»، **مجله اقتصادی پایگاه بصیرت**.
- ۱۸- عزتی، مرتضی (۱۳۸۸)، **اصلاح الگوی مصرف**، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- ۱۹- منصوری، علی (۱۳۹۰)، «تأملی بر فرهنگ مصرف در ایران»، **مجموعه مقالات برگزیده همایش راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز**، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- ۲۰- متولیان، سیدعبداله (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال»، **روزنامه جوان**، ش ۵۰۵۹.

- ۲۱- وحید، مجید (۱۳۸۳)، سیاستگذاری عمومی، تهران، نشر میزان.
- ۲۲- نادرعلی، رحیم و جعفری، اکبر (۱۳۹۱)، «مفهوم اقتصاد مقاومتی»، درگاه بسیج اساتید استان آذربایجان غربی.
- ۲۳- نریمانی، میثم (۱۳۹۱)، «چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی»، اولین همایش اقتصاد مقاومتی

وبسایت‌ها:

- 24- <https://fa.wikipedia.org/wiki>
- 25- <http://yahyakamali.blogfa.com/post/23>
- 26- <https://www.fardanews.com/fa/news/651025>
- 27- <https://iranthinktanks.com/evaluate-the-performance>

